

مقایسه تطبیقی و تحلیل سه ظرف سیمین منسوب به دوره هخامنشی موجود در موزه هگمتانه

زهرا السادات حسینی

دانشجوی دکتری گروه باستانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

na_hosseini92@yahoo.com

محمد رضا سعیدی (نویسنده مسئول)

دانشیار مدعو گروه باستانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران و دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه سازمان سمت.

احمد چایچی امیرخیز

استادیار مدعو گروه باستانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران و استادیار رشته باستانشناسی گروه پژوهشی اشیای فرهنگی

تاریخی پژوهشکده باستانشناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹)

چکیده

فلزکاری به عنوان یکی از کهن ترین صنایع در فرهنگ و تمدن ایران، از جمله شاخه های مهم هنری است که در دوره هخامنشی رو به توسعه و پیشرفت نهاد و هنرمندان چیره دست تمامی ذوق و دانش خود را، به منظور هر چه بهتر خلق نمودن شاهکارهای فلزگری، در قالب اشیاء فلزی پیاده نمودند. از این رو، این نوشتار بر آن است تا با بررسی و تحلیل سه کاسه سیمین (از مجموعه ظروف منسوب به دوره هخامنشی) موزه هگمتانه به این پرسش ها پاسخ دهد که: کاربرد این ظروف چه بوده است؟ آیا نمونه ظروف سیمین مورد مطالعه بر مبنای گونه شناسی، فنون ساخت و آرایه های تزئینی با سایر نمونه های مشابه مکشوفه از کاوش های علمی هخامنشی مطابقت دارند؟ با توجه به توقیفی بودن آثار مورد مطالعه و فقدان هر گونه مدارک تاریخی، در این پژوهش به روش تطبیقی و توصیفی - تحلیلی و به شیوه ی کتابخانه ای ضمن پاسخگویی به پرسش های مذکور، نسبت به مقایسه تطبیقی این ظروف با نمونه های مشابه به منظور گاهنگاری نسبی آن ها اقدام شد. نتایج بیانگر کاربردی بودن ظروف و نوعی یکدستی و وحدت نقوش بود. شکل و تزئینات این ظروف تأثیر فرهنگ های اقوام پیشین فلات ایران و سرزمین های همجوار به ویژه ماد، لرستان (ایلام نو) و آشور را نشان می دهد. مطالعات تطبیقی (شکل، فن ساخت و نقشمایه) نیز شباهت آن ها را با نمونه های سیمین هخامنشی مکشوفه از کاوش های علمی تأیید کرد. همچنین بر اساس مطالعه تطبیقی، گاهنگاری ظروف موزه هگمتانه منسوب به عصر هخامنشی و احتمالاً به قرن چهارم و پنجم ق.م (کاسه کم عمق) و قرن پنجم ق.م (دو کاسه عمیق) است.

واژگان کلیدی: ظروف سیمین، موزه هگمتانه، دوره هخامنشی

مقدمه

هنر و سنت فلزگری هخامنشی تاکنون مورد توجه محققان بسیاری قرار گرفته است. ولی در اکثر موارد به طور کلی صنعت فلزگری را که شامل ساخت ظروف فلزی، جواهرات، ابزار و ادوات جنگ و شکار می‌شود مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند.

در این مقاله با تمرکز بر سه کاسه سیمین (به‌عنوان بخشی از مجموعه ظروف فلزی منسوب به دوره هخامنشی) موجود در موزه هگمتانه، این بخش از صنعت فلزگری این دوره مورد بررسی قرار گرفته است.

حکومت هخامنشی به‌عنوان یکی از سازمان یافته‌ترین و مقتدرترین دولت‌ها، بر سرزمین و قوم مختلف حکمرانی می‌کردند؛ یک سوی این امپراتوری سرزمین‌های دور شرق و سوی دیگر آن تا روم و یونان و بخش وسیعی از آسیای صغیر و میانه بوده است (باقری حسن کیده و رضائی، ۱۳۹۱، ص ۲۸). سیاست شاهان هخامنشی، که بر مبنای احترام و پاسداری آداب مذهبی و سنن و رسوم هنری هر محل بود، موجب پیشرفت هنر و تمدن و اشاعه فرهنگ ایرانی در این دوران شد. در این امپراتوری گسترده طلا، نقره، برنز و آهن به‌منظور ساخت ظروف، اسلحه‌ها و زیورهای شخصی مورد استفاده قرار می‌گرفتند (رضائی، ۱۳۸۹؛ هژبری‌نوبری و همکاران، ۱۳۸۹). از مهم‌ترین مکان‌هایی که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان

مراکز تولید هنر فلزکاری هخامنشی نام برد باید به تخت‌جمشید، هگمتانه و شوش در داخل ایران اشاره کرد. آثار فلزی این دوره بسیار بدیع و متنوع است؛ ریتون‌ها، آرایه‌های فلزی (زیورهای فلزی)، تنگ‌ها و جام‌های طلا و نقره و ظروف کشف شده از اکباتان (همدان امروزی)، تخت‌جمشید، پاسارگاد و شوش بیان‌گر توانمندی هنرمندان فلزکار دوره هخامنشی است. می‌توان به جرأت ادعا کرد که هنر فلزکاری در دوران هخامنشی به اوج خود می‌رسد و زمینه بروز و شکوفایی این هنر را در دوران بعدی و حتی اسلامی فراهم می‌کند (نامجویان و غفاریان، ۱۳۸۴؛ طاووسی و همکاران، ۱۳۹۰). فلزکاران هخامنشی در ساخت اشیاء و آثار فلزی از فنون و روش‌های مختلفی چون ریخته‌گری و چکش‌کاری استفاده کرده‌اند. ویژگی برجسته‌ی آثار تزئینی فلزی هخامنشی، کاربرد نقوش گیاهی، اساطیری و پیکره‌های حیوانی در ساخت ظروف و زیورآلات است (سلحشور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲). آثار فلزی این دوره به‌عنوان یکی از جنبه‌های ارزشمند هنر تمدن هخامنشی بسیار بدیع و متنوع است. تنوع فلزات، استفاده از نقوش و طرح‌های زیبا، غنای تازه‌ای در این دوران تاریخی به هنر فلزکاری بخشید. در این میان اشیاء سیمین دوران تاریخی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد و مدارک تاریخی، فرهنگی، هنری، اجتماعی و مردم‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. کاسه‌های سیمین و زرین که

مطالعه بر مبنای گونه‌شناسی، فنون ساخت و آرایه‌های تزئینی با سایر نمونه‌های مشابه دوره هخامنشی یا مکشوفه از کاوش‌های علمی مطابقت دارند؟

روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، به انواع تحقیق‌های بنیادین اختصاص دارد. بر اساس هدف تعیین شده، از نظر ماهیت به روش توصیفی - تحلیلی انجام یافته، بررسی و تجزیه و تحلیل با رویکرد تطبیقی - کیفی و اطلاعات مورد نیاز به شیوه گردآوری اطلاعات، به شیوه کتابخانه‌ای و با استناد به منابع معتبر و همچنین میدانی (مشاهده مستقیم) صورت گرفته است. رویکرد تطبیقی پژوهش، با در نظر گرفتن میزان فراوانی و تشابه فرم و نقش‌مایه انجام شده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه ظروف سیمین فراوانی از کاوش‌های باستان‌شناسی یافت شده، طی چند دهه اخیر مطالعه بر روی این آثار فزونی یافته است که از مهمترین این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله سلحشور و همکاران با عنوان «بررسی کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی هخامنشی از نظر شکل، جایگاه، تزئینات و حوزه پراکنش» به تجزیه و تحلیل نقوش، تزئینات و شکل کاسه‌ها بر اساس مطالعه تطبیقی و منشأ اقتباس آن‌ها اشاره کرد (سلحشور

در نهایت دقت، استادی، ظریف‌کاری و مهارت ساخته شده‌اند از شاخص‌ترین شاهکارهای هنر فلزکاری جهان باستان به‌شمار می‌آید. استفاده از این نوع ظروف به‌عنوان جام‌های نوشیدنی در ایران باستان بسیار متداول بوده است و هنرمندان هخامنشی در این رشته هنری، برتری خود را نسبت به دوره‌های پیشین از نظر مهارت و خلاقیت کاملاً روشن و مشخص نمودند. کاسه‌های این دوره که با ویژگی خاص و منحصر به‌فردی از نظر فن و فلزات مورد استفاده همچون طلا و نقره ساخته شده‌اند جایگاه مهمی در میان آثار تجملاتی و صنعتی به خود اختصاص داده‌اند (بیگزاده و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱). هدف از این پژوهش راستی‌آزمایی تاریخ‌گذاری (اصالت) یک کاسه کم‌عمق و دو کاسه عمیق سیمین منسوب به دوره هخامنشی موزه هگمتانه بر مبنای مطالعه تطبیقی (وجوه اشتراک و افتراق) و بررسی آن به لحاظ گونه‌شناسی، ریخت‌شناسی، فنی و شیوه‌های ساخت (شیوه‌های شکل‌دهی، تزئین و اتصال) با سایر نمونه‌های بدست آمده از کاوش‌های علمی باستان‌شناسی است.

پرسش‌های پژوهش

پژوهش پیش‌رو در پی پاسخ به دو پرسش عمده است. ۱- کاربرد سه ظرف سیمین منسوب به دوره هخامنشی موجود در موزه هگمتانه همدان چه بوده است؟ ۲- آیا نمونه ظروف سیمین مورد

هگمتانه همدان (دارای مکان کشف نامعلوم) را بر اساس مقایسه تطبیقی (گونه‌شناسی و مشخصات فنی) تحلیل و بررسی نماید.

نگاهی به فلزکاری ایران در دوره هخامنشی

فلزگری به لحاظ معنی شامل فن استخراج فلز، ذوب، ریخته‌گری و آهن‌گری می‌باشد (احسانی، ۱۳۸۶، ص ۵۱). هنر فلزگری در دوره هخامنشی با تکیه بر تجارب صنعتگران و فلزگران پیشین شکل گرفته است. فلزکاری در عصر هخامنشی چشمگیر و برجسته است به گونه‌ای که بیشترین آثار و اشیا فلزی از طلا و نقره ساخته می‌شدند (دادور، ۱۳۹۱، ص ۳۹). کاربرد فلز نقره از هزاره چهارم ق.م شروع شده و در دوره هخامنشی نیز بیش از سایر فلزات مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله معادن نقره مورد استفاده در هزاره اول ق.م می‌توان معدن نخلک کوه‌های بارز و فارس در نزدیکی جیرفت و پنجشیر در افغانستان و جبال غور بامیان را نام برد. علاوه بر این معادن از معادن آسیای صغیر و مصر هم نقره وارد می‌شده است (احسانی ۵۳، ص ۱۳۸۶؛ کالیکان ۱۲۲، ص ۱۳۸۵). ظروف غذاخوری سیمین به دلیل این‌که حجم بالایی از فلز در آن‌ها به کار رفته بود، دارای ارزش بوده و گاهی به‌عنوان پول رایج در معامله‌ها مورد استفاده بودند (محمدپناه، ۱۳۸۹، ص ۴۷). متأسفانه مجموعه ظروف نقره‌ای منسوب به دوره هخامنشی موجود در موزه هگمتانه از طریق کاوش

و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱). از سوی دیگر فراست و همکاران در پایان‌نامه‌ای با عنوان «معرفی و گونه‌شناسی تعدادی از اشیا فلزی دوره هخامنشی موجود در خزانه تخت‌جمشید» به بررسی تاثیر هنر فلزکاری تمدن‌های همجوار در اشیا فلزی دوره هخامنشی موجود در خزانه تخت‌جمشید پرداخته است (فراست و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲). همچنین سیمپسون و همکاران در پژوهشی با عنوان «نقره هخامنشی، تی ال جکس و پیوند مازندران» ساختار، شکل و تزئینات دو کاسه سیمین مکشوفه از مازندران موجود در مجموعه خصوصی جکس را مورد بررسی قرار داده است (سیمپسون و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۴۴۰). از طرفی بیگزاده و همکاران در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و معرفی آثار هخامنشی حوزه فرهنگی دریای سیاه» به معرفی و تحلیل کاسه‌های هخامنشی در مناطق مختلف حوزه فرهنگی دریای سیاه پرداخته است (بیگزاده و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱). با این حال ظروف سیمین فروانی در موزه‌ها وجود دارند که مورد غفلت کار پژوهشی قرار گرفتند. در این میان، بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش اعظمی از یافته‌های فلزی موجود در موزه‌ها از حفاری‌های غیرعلمی بدست آمده و تاکنون پژوهش منسجمی درباره آن‌ها انجام نشده است. بنابراین اطلاعات چندانی در مورد آن‌ها وجود ندارد. از این‌رو این پژوهش بر آن است که سه نمونه از کاسه‌های سیمین موجود در موزه

این رو چنین به نظر می‌رسد که این نوع ظروف مورد استفاده در فرهنگ‌های پیشین و همجوار، در دوره هخامنشی در اوج محبوبیت بودند. با استناد به داده‌های باستان‌شناسی کاسه‌های کم عمق (مسطح، لب تخت یا فیال) و عمیق (نیم کروی) دو شکل (ریخت) عمده از این نوع ظروف در عصر هخامنشی را تشکیل می‌دهند. کاربری این نوع ظروف اغلب برای نوشیدن مایعات در میهمانی‌ها و ضیافت‌های رسمی و آیینی بوده است. فرم کلی این ظروف به شکل S بوده است.

نمونه‌های مورد مطالعه

در این نوشته به مطالعه سه کاسه سیمین دوران تاریخی (هخامنشی) مجموعه موزه هگمتانه پرداخته می‌شود. کاسه کم عمق و دو کاسه عمیق سیمین از جمله ظروف فلزی دوره هخامنشی این مجموعه است که در ادامه به تطبیق و تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که این آثار در سال ۱۳۷۴ خورشیدی به صورت توقیفی بدست آمده و هیچ‌گونه مطالعه و تاریخگذاری بر روی آن‌ها انجام نشده است. این ظروف با مقایسه و مطالعه آثار مشابهی که از بررسی و کاوش‌های علمی یافت شده بودند، تعیین قدمت خواهند شد.

۱. کاسه کم عمق (مسطح، لب تخت یا فیال)

کاسه کم عمق نقره (جدول ۱، تصویر ۲) به ارتفاع ۲/۴ سانتی‌متر، به قطر ۱۷/۸ سانتی‌متر و به وزن

باستان‌شناسی به دست نیامده و در نتیجه تاریخگذاری و محل کشف دقیق آن‌ها نامشخص و پاسخ پرسش‌هایی مانند این که ظروف نقره‌ای در کجا و برای چه کسی ساخته شده هنوز مشخص نشده است. لازم به ذکر است که تعدادی ظروف نقره از تپه هگمتانه به دست آمده، که در موزه ایران باستان، موزه لوور و ... نگهداری می‌شود.

کاسه‌های هخامنشی

کاسه‌های هخامنشی به‌عنوان ظروف لبه‌دار بدون پایه و دسته از جمله رایج‌ترین ظروف فلزی در این دوره به‌شمار می‌آیند. پیشینه ساخت و استفاده از این نوع ظروف به نمونه‌های سفالین هزاره دوم ق.م در مدیترانه شرقی و غرب آسیا بر می‌گردد (Curtis, 1995: 149). این شکل از ظروف در هزاره اول ق.م در آشور نیز رایج بوده است. از نمونه کاسه‌های موجود در ادوار گذشته می‌توان به کاسه بدون دسته و ساده در دست شخصی که بر صندلی نشسته در نقوش برجسته دیواری کاخ شمالی آشور بانیپال در نینوا اشاره کرد (مورتگات، ۱۳۹۲، ص ۲۴۹) (تصویر ۱، الف). همچنین مشابه این ظرف در نقش برجسته دیواری کاخ شمال غربی آشور نصیرپال دوم نیمروود موجود در موزه بریتانیا قابل مشاهده است (مورتگات، ۱۳۹۲، ص ۲۵۵) (تصویر ۱، ب). کاسه سفالی ساده از طبقه هفت حاجیلار (دوره نوسنگی جدید) نیز نمونه‌ی دیگری از این ظروف است (فیروزمندی شیره‌جینی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹) (تصویر ۱، ج). از

آفتاب را به تصویر می‌کشند (Simpson, 2010: 435). آفتاب، نماد سنتی خورشید و بازگو کننده نیروی حیات بخشی است (غلامپور درزی و اسماعیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۴) که به کرات در هنر هخامنشی و آرایه‌های وابسته به معماری و نقش‌برجسته‌ها قابل مشاهده است (نظری‌زاده و مشهدی حاجی‌علی، ۱۳۹۴، ص ۷).

مقایسه کاسه کم‌عمق سیمین منسوب به دوره هخامنشی موزه هگمتانه با نمونه‌های مشابه

کاسه کم‌عمق موجود در موزه هگمتانه بر اساس طرح تزیینی (قبه مرکزی، گلبرگ‌های دراز کشیده و بادامی شکل)، جنس و فن ساخت با نمونه بدست آمده از گنجینه آکروپل شوش متعلق به اواخر دوره هخامنشی (جدول ۱، تصویر ۳) (Gunter & Root, 1998: 19) قابل قیاس است. کاسه بدست آمده از گنجینه لیدی در ایزتیه (جدول ۱، تصویر ۴) به لحاظ جنس، فن ساخت و آرایه‌های تزیینی (قبه مرکزی و آرایه بادامی شکل) با نمونه‌های مورد بحث قابل قیاس است (سلحشور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹). دو کاسه کم‌عمق به دست آمده از تپه شماره ۱ محوطه پروخورکا^۲ روسیه (جدول ۱، تصویر ۱-۵ احتمالاً متعلق به نیمه دوم قرن ۴ ق.م و تصویر ۲-۵ مربوط به نیمه دوم قرن ۵ ق.م) نیز از نظر شکل، جنس، آرایه تزیینی (قبه مرکزی و بادامی شکل) و فن ساخت با نمونه مورد مطالعه قابل قیاس است

۲۰۶ گرم با آسیب زیاد در قسمت لبه ظرف در موزه هگمتانه نگهداری می‌شود. بدنه کاسه مورد نظر با ورقه ساده از جنس نقره ساخته شده، سطح خارجی آن کنده کاری شده و فاقد پایه و کتیبه می‌باشد. در مرکز سطح داخلی ظرف، برآمدگی (قبه) گردی با یک سوراخ بسیار ریز در مرکز آن ایجاد شده، پیرامون آن شانزده گلبرگ دراز کشیده (پره برگی شکل) فرو رفته و در بین هر جفت از این پره‌ها نیز شانزده تورفتگی بادامی (اشکی) شکل قابل مشاهده است. در فاصله بین گلبرگ‌ها در بالا تزییناتی به شکل پراتنز، که شاید نمادی از برگشتن گلبرگ به بیرون باشد، جلوه‌گری می‌کند. تکنیک ساخت کاسه کم‌عمق از دو نوع روش چکش کاری، یعنی برجسته کاری و گودکاری شکل گرفته است. کاسه کم‌عمق مورد نظر دارای عمق کم، لبه به بیرون برگشته صاف و احتمالاً صیقل خورده و طرح داخل کاسه کم‌عمق به وسیله خطی از لبه ظرف جدا شده است. علائم صیقل کاری موجود بر اغلب نواحی سطح فلز، حکایت از روند پرداخت کاری دارد. تناوب و توالی گلبرگ‌های دراز کشیده احتمالاً تصویرگری ساده و هنرمندانه‌ای از نقش گل روزت است که به زیبایی در سطح داخلی کاسه خودنمایی می‌کند. روزت، نماد سنتی خورشید و بازگو کننده نیروی حیات بخشی است (غلامپور درزی و اسماعیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۴). از سویی دیگر احتمالاً گلبرگ‌های دراز کشیده نوک تیز ساطع شده از قبه مرکزی پرتوهای

لحاظ جنس، فن ساخت و آرایه‌های تزئینی (قبة مرکزی و تزئینات بادامی شکل) با کاسه کم عمق نقره بدست آمده از قبری در گورستان سارد (جدول ۱، تصویر ۱۱) مربوط به اواخر قرن ششم ق.م تا اوایل قرن پنجم ق.م مشابهت دارد (Treister, 2007: 86). از جمله نمونه‌های مشابه دیگر، کاسه کم عمق زرین بدست آمده از قبری در وانی^۷ (جدول ۱، تصویر ۱۲، متعلق به اواخر قرن پنجم ق.م تا اوایل قرن چهارم) است که به لحاظ شکل و آرایه‌های تزئینی (قبة مرکزی، تزئینات بادامی شکل پیرامونی و آرایه‌های گلبرگی تیز و نوک‌دار) قابل قیاس با کاسه مورد مطالعه است (Treister, 2007: 86). همچنین نمونه‌هایی از این گونه تزئینات با تعداد گلبرگ‌های متفاوت را می‌توان در کاسه کم عمق سیمین گنجینه‌های آخالگوری^۸ (جدول ۱، تصویر ۱۳) و کازبگی^۹ در گرجستان (جدول ۱، تصویر ۱۴) مشاهده کرد (Knauss, 2006: 82). سلحشور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹). از نمونه‌های مشابه دیگر به لحاظ جنس، قبة مرکزی و فن ساخت می‌توان به پیاله مجلل سیمین شناسایی شده در استان مازندران (جدول ۱، تصویر ۱۵، احتمالاً متعلق به قرن ۴ ق.م) اشاره کرد (Simpson, 1998: 32). از سوی دیگر کاسه کم عمق سیمین بدست آمده از منطقه رودخانه کوبان در استانیستسا مارینس کایا^{۱۰} (جدول ۱، تصویر ۱۶) از نظر جنس، شکل و آرایه تزئینی (آرایه بادامی شکل و گل لوتوس) با نمونه

(Gunter & Root, 1998: 2). از سوی دیگر کاسه کم عمق سیمین بدست آمده از قبرستان نیمفایون^۳ (جدول ۱، تصویر ۶) با لبه متمایل به خارج برگشته و تزئینات بادامی شکل (مربوط به اواسط قرن پنجم ق.م) قابل مقایسه با نمونه موجود در موزه هگمتانه است (Treister, 2007: 91). همچنین کاسه کم عمق سیمین به دست آمده از پروخوکا (جدول ۱، تصویر ۷) نگهداری شده در موزه ملی قزاقستان از نظر جنس، فن ساخت، شکل و آرایه‌های تزئینی با نمونه موجود در موزه هگمتانه تشابه دارد (Treister, 2009b: 98). کاسه سیمین کم عمق به دست آمده از مجموعه آیینی در اولیایپ^۴ (جدول ۱، تصویر ۸) با تزئینات بادامی (اشکی) شکل پیرامونی و آرایه‌های گلبرگی تیز و نوک‌دار از دیگر نمونه‌های قابل قیاس با کاسه کم عمق نگهداری شده در موزه هگمتانه است (Treister, 2007: 86). از دیگر نمونه‌های قابل قیاس با کاسه کم عمق موجود در موزه هگمتانه می‌توان به کاسه کم عمق سیمین بدست آمده از آئتوس^۵ (جدول ۱، تصویر ۹) با قبة مرکزی و تزئینات بادامی (اشکی) اشاره کرد (سلحشور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۵). از سوی دیگر کاسه طلا بدست آمده از گنجینه آمودریا^۶ (موجود در موزه بریتانیا) از نظر آرایه بادامی و قبة مرکزی با نمونه موجود در موزه هگمتانه تطابق دارد (جدول ۱، تصویر ۱۰) (دشتی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲). همچنین کاسه کم عمق نگهداری شده در موزه هگمتانه از

با بیست برآمدگی برگی شکل (گلبرگ‌های کشیده و باریک ساده) ساطع شده از قبه مرکزی به شیوه قلمزنی مزین گردیده است.

چنین به نظر می‌رسد که گلبرگ‌های کشیده و باریک متوالی و متواتر، گل نیلوفر (لوتوس) را به تصویر کشیده‌اند. در هنر هخامنشی، نقش نیلوفر نمایانگر ادوار مختلف جهان، مقاطع و مراتب گوناگون هستی) بر ظروف، آرایه‌های وابسته به معماری و نقش‌برجسته‌ها قابل مشاهده است (تصویر ۱۹) (دشتی، ۱۳۹۲، ص ۳۴). از طرفی کاسه‌های مزین شده با برگ‌های متناوب تیز اغلب به‌عنوان کاسه برگی شکل نامیده شده و متأثر از کاسه‌های خیاره‌ای شکل در قرن پنجم ق.م است (Treister, 2010: 231).

مقایسه کاسه‌های عمیق سیمین منسوب به دوره

هخامنشی موزه هگمتانه با نمونه‌های مشابه

کاسه‌های عمیق مورد مطالعه به لحاظ شکل و جنس با از طرفی کاسه نقره عمیق ساده به‌دست آمده از گنجینه روگوزن^{۱۱} (جدول ۲، تصویر ۲۰) تشابه دارد (Zournatzi, 2000: 688). همچنین کاسه کتیبه‌دار از تل مسخوته مصر^{۱۲} (جدول ۲، تصویر ۲۱) از لحاظ جنس، نقش و فن ساخت با نمونه‌های مورد بحث قابل مقایسه است (Dumbrell, 1971: 35). همچنین کاسه سیمین به‌دست آمده از مقبره شماره ۳ تومولوس مونت زلنسکایا در جزیره تامان مقدونیه (متعلق به قرن

موجود در موزه هگمتانه قابل قیاس است (Treister, 2009b: 109). لازم به ذکر است کاسه‌های کم‌عمق تپه شماره ۱ محوطه پروخورکا، گنجینه‌های آخالگوری و کازبگی با چهارده آرایه بادامی شکل پیرامونی تزیین شده‌اند.

۲. کاسه‌های عمیق (نیم‌کروی)

دو کاسه از جنس نقره به‌ترتیب به شماره شی ۳۰۴۷ و ۳۰۴۶ (شماره شی دفتر اموال اداره کل میراث فرهنگی همدان) در موزه هگمتانه نگهداری می‌شوند.

کاسه ۳۰۴۷ (جدول ۲، تصویر ۱۷) فاقد کتیبه، دسته و پایه، دارای عمق کم، لبه به بیرون برگشته صاف و ساده، قبه‌ای در مرکز تحتانی و ۲۳ برآمدگی برگی شکل (گلبرگ‌های کشیده و باریک ساده) بر دیواره است. این ظرف به ارتفاع ۱۲/۵ سانتیمتر، به قطر ۲۶ سانتیمتر و به وزن ۶۶۵ گرم به شیوه چکش‌کاری ساخته شده و تزیینات آن به شیوه قلمزنی به‌صورت برجسته شکل گرفته و دارای آسیب اکسید و ترک خوردگی است.

کاسه عمیق به شماره ۳۰۴۶ (جدول ۲، تصویر ۱۸) این نیز شکلی مشابه با کاسه ۳۰۴۷ دارد، ارتفاع آن ۱۵/۸ سانتیمتر، به قطر ۲۷/۳ سانتیمتر و وزن ۴۶۰ گرمی با آسیب اکسید است. کاسه مورد بحث فاقد کتیبه، بدون دسته و پایه، دارای عمق زیاد، لبه به بیرون برگشته صاف و ساده است. این کاسه به شیوه چکش‌کاری ساخته شده و سطح خارجی آن

شکل می‌توان به کاسه‌های یافت شده از نزدیکی ارزنجان (جدول ۲، تصویر ۲۹) اشاره کرد (Simpson, 2005:117). همچنین کاسه عمیق سیمین بدست آمده از گنجینه جیحون (جدول ۲، تصویر ۳۰) به لحاظ جنس، فن ساخت و آرایه تزئینی گلبرگ‌های کشیده با نمونه کاسه‌های عمیق موزه هگمتانه قابل مقایسه است (Gergova, 2010: 75). از نمونه دیگر از نظر فن ساخت و شکل می‌توان به کاسه عمیق برنزی مکشوفه از قره‌باغ (جدول ۲، تصویر ۳۱) اشاره کرد (Razmjou, 2005: 180).

بحث و تحلیل داده‌ها

۱. گونه‌شناسی (ریخت‌شناسی)

کاسه‌های هخامنشی به‌عنوان ظروف لبه‌دار بدون پایه و دسته از جمله رایج‌ترین ظروف فلزی در این دوره به‌شمار می‌آیند. از این رو چنین به‌نظر می‌رسد که این نوع ظروف مورد استفاده در فرهنگ‌های پیشین و همجوار، در دوره هخامنشی در اوج محبوبیت بودند. کاسه‌های کم‌عمق عموماً از جنس نقره بوده و تقلیدی از هنر مادی و اورارتویی است. علیرغم شباهت‌های بسیار زیاد کاسه‌های کم‌عمق منسوب به این دوره از لحاظ شکل ظاهری، تفاوت‌هایی نیز به لحاظ ابعاد، وزن و آرایه‌های تزئینی قابل مشاهده است (Curtis, 1995: 151). به‌طور کلی این ظروف دارای دیواره S شکل و ارتفاع متغیر بین ۲/۵ تا ۶ سانتی‌متر

پنجم ق.م) (جدول ۲، تصویر ۲۲، نگهداری شده در موزه هرمیتاژ) از نظر شکل، جنس، فن ساخت و آرایه تزئینی (قبه مرکزی و گلبرگ‌های متعدد) با نمونه موجود در موزه هگمتانه قابل مقایسه است (Treister, 2010: 234). از سوی دیگر جام نقره عمیق ساده از تراکیه (جدول ۲، تصویر ۲۳) به لحاظ جنس و فن ساخت قابل قیاس با نمونه‌های مورد مطالعه می‌باشد (Zournatzi, 2000: 688). از نمونه مشابه کاسه عمیق نگهداری شده در موزه هگمتانه از نظر فرم و آرایه تزئینی می‌توان به پیاله شیشه‌ای بدست آمده از معبد آرتمیس ترکیه (جدول ۲، تصویر ۲۴) موجود در موزه بریتانیا، پیاله شیشه‌ای از آسیای صغیر (جدول ۲، تصویر ۲۵) قابل مشاهده در موزه هنر و صنایع دستی هامبورگ و کاسه عمیق شیشه‌ای از آسیای صغیر موزه هنر، دوسلدورف آلمان (جدول ۲، تصویر ۲۶) اشاره کرد (شیشه‌گر، ۱۳۸۷: ۱۸۹). همچنین کاسه سیمین بدست آمده از کورگان B از پروخورووکا (جدول ۲، تصویر ۲۷) به لحاظ جنس، شکل و فن ساخت با نمونه‌های مورد بحث قابل قیاس است (Treister, 2009a: 187). از طرفی کاسه نقره طلاکوب کشف شده از واریتسا^{۱۳} (جدول ۲، تصویر ۲۸) از نظر فن ساخت، آرایه تزئینی (قبه مرکزی و گلبرگ‌های کشیده) و شکل با نمونه‌های موجود در موزه هگمتانه مشابهت دارد (Venedikov, 1977: 37). از نمونه‌های دیگر از نظر جنس، فن ساخت و

تصویرگری آن‌ها بر روی استل، نقوش برجسته، نقاشی دیواری، ریتون، گلدان، مهر و ... به وضوح دیده می‌شود (تصویر ۳۱). به عنوان مثال در نقوش آپادانای تخت جمشید از ۲۳ گروه نمایندگی، ۱۲ گروه هدایایی مشتمل با ظروف با خود به همراه دارند که بدون شک از فلزات گرانبها ساخته شده بودند. در این میان کاسه‌های لبه برگشته رایج‌ترین نوع ظروف در نقوش آپادانای تخت جمشید هستند که در استان ۸ گروه از ۲۳ هیئت نمایندگی وجود دارد. پیشکش این ظروف از جانب ساتراپی‌ها (از جمله ارمنی‌ها، لیدیایی‌ها، ایونیایی‌ها، مادها و ...) به‌عنوان خراج به حضور شاه و در مواردی اهدا آن‌ها از جانب پادشاهان پارسی به ساتراپی‌ها و نجیب‌زادگان نشان‌دهنده ارزش و اعتبار این ظروف در دربار هخامنشی بوده است (احسانی، ۱۳۸۲، ص ۸۰). با این حال، در میان ظروفی که هیئت‌های شاهنشاهی به‌عنوان هدیه برای شاه هخامنشی می‌آوردند، هیچ کاسه کم‌عمقی (فیلا) دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد کاسه‌های کم‌عمق فلزی (زرین یا سیمین) متعلق به خزانه سلطنتی بوده و بخشی از ثروت و دارایی هر ایالت به حساب می‌آمده است؛ از این رو به‌عنوان هدیه، فقط حق انحصاری شاه بوده و به افرادی با امتیازات ویژه اهدا می‌شده تا سبب ارتباطات قوی و توأم با وفاداری میان شاه هخامنشی و آن‌ها شود. از طرفی این ظروف احتمالاً بخشی از اشیای تشریفاتی بوده که بر روی میز سلطنتی قرار داشته

است؛ همچنین تعدادی از آن‌ها دارای کتیبه است که تعلقشان را به پادشاهان هخامنشی نشان می‌دهد (از جمله جام‌هایی با ذکر نام داریوش، اردشیر و خشایار) (سلحشور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷). بر اساس شواهد و مدارک باستان‌شناسی جام‌های کتیبه‌دار و فاقد کتیبه در میهمانی‌های رسمی یا مراسم آیینی به‌عنوان ابزاری برای نوشیدن مایعات (ارزش اجتماعی و سیاسی) مورد استفاده بوده است. کتیبه‌های یکسان روی چهار کاسه لوبدار (طرح بادامی یا اشکی) نقره‌ای اردشیر نیز حاکی از آن است که آن‌ها «ظروف نعلبکی» یا «ظروف شراب خوری» هستند (Simpson et al, 2010: 438). از سوی دیگر این ظروف احتمالاً با اوزان معینی از نقره ساخته می‌شدند تا به‌عنوان پول رایج در تبادلات تجاری یا به‌عنوان اندوخته پادشاه یا مردم عادی (ارزش اقتصادی) مورد استفاده قرار گیرند (Curtis & Cole, 1995: 151).

کاسه‌های عمیق هخامنشی نیز عمدتاً از جنس نقره بوده و شکل کلی آن‌ها شبیه به کاسه‌های کم‌عمق (S شکل) است؛ با این تفاوت که عمق و ارتفاع بیشتری دارند. برخی از این کاسه‌ها دارای ته گرد و برخی دیگر نیز کف تختی (صاف) دارند. کاربری این نوع ظروف نیز مانند کاسه‌های کم‌عمق برای نوشیدن مایعات بوده است (Hamilton, 2014: 3). این دسته از ظروف از چنان اهمیتی در میان شاه و درباریان برخوردار بود که به جز ساخت کاسه‌ها در کارگاه‌های شاهنشاهی،

درون آن ریخته و پس از انجام عملیات پرداخت و چکش کاری بر روی شی انجام می شود (طاهری و بایرامزاده، ۱۳۹۷، ص ۱۷۳). در روش چکش کاری نیز ورقه های فلزی مسطح را با ضربات چکش و به کار بردن قالب های محدب یا انواع دیگر قالب ها و سایر ابزار فلزکاری به شکل مطلوب مورد نظر در می آورند (احسانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷). از سوی دیگر برای اتصال قطعات و ورقه های شکل گرفته و تزیین شده از روش ساز و بست استفاده می شود (ابن عباسی و مقتدایی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۳). قلمزنی، کنده کاری و حکاکی نیز شیوه هایی برای اجرای تزیینات به ویژه آرایه های تزیینی برجسته است (سی، ۱۳۸۶، ص ۶۷).

آثار فلزی (سیمین و زرین) دوره هخامنشی به عنوان یکی از جنبه های درخشان هنر، مهارت و سلیقه هنرمندان این عصر را نمایان می کند. با این حال به سبب فقدان اسناد و شواهدی از کارگاه های فلزگری و طرز کار آنان در عصر هخامنشی اطلاعات ما راجع به فنون فلزگری در این دوره منحصر و محدود به ظروف فلزی کشف شده است (احسانی، ۱۳۸۲، ص ۵۵). بررسی ها و مطالعات علمی ظروف کشف شده از این دوره بیانگر آن است که فنون ریخته گری و چکش کاری (در ادامه روند فن های رایج در صنعت فلزگری هزاره اول ق.م) شیوه های غالب در ساخت ظروف سیمین دوره هخامنشی بوده است. در این رابطه

است. در گزارشات هرودوت نیز به استفاده از این ظروف در مجالس و ضیافت های تشریفاتی و شاهانه دربار هخامنشی اشاره شده است (Curtis, 1995: 149; Simpson, 2005: 108). از این رو به عنوان ظروف پذیرایی (صرف نوشیدنی) به گونه ای طراحی شده اند که به راحتی بر روی هم قرار بگیرد تا نمایی از ثروت و اعتبار شاه هخامنشی باشد (Simpson et al, 2010: 438).

بررسی ها حاکی از آن است که کاسه شماره ۳۰۲۳ موجود در موزه هگمتانه از نوع کم عمق و دو کاسه دیگر به ترتیب با شماره ۳۰۴۶ و ۳۰۴۷ از نوع عمیق می باشند.

۲. فن شناسی

ساخت و تزیین آثار فلزی دو مرحله اصلی است که گاه در امتداد یکدیگر و گاهی نیز به صورت ترکیبی (ساخت و تزیین به صورت هم زمان) به کار گرفته می شود. چکش کاری (کوبش)، ریخته گری (قالب گیری) و ساز و بست (اتصال مکانیکی شامل لحیم کاری، پرچ کردن، زرکوبی، جوش دادن، تا کردن و ایجاد هم پوشانی بین ورقه ها) سه روش ساخت و شکل دهی اشیا و ظروف فلزی به شمار می آیند. در روش ریخته گری، پس از آماده سازی قالب بر اساس طرح و شکل مورد نظر فلز مذاب (نقره مذاب) را

نمونه‌هایی از قالب‌های سنگی و گلی (به‌عنوان رایج‌ترین ابزارهای قالب‌گیری به روش ساده) در عراق به‌دست آمده است. همچنین در منطقه لیدیا (ایکیزتپه)، همراه با کاسه‌های متعدد، تعدادی قالب با انتهای اشک‌شکل (به منظور ایجاد لوب) با اندازه و شکل دقیقاً یکسان یافت شده است (Simpson et al, 2010: 438). از طرفی شواهد حاکی از آن است که اجرای تزیینات برجسته به روش قلم‌زنی صورت گرفته است (سی، ۱۳۸۶، ص ۶۷).

مطالعه حاضر نشان داد که سه کاسه سیمین مورد بررسی موجود در موزه هگمتانه با استفاده از فن چکش‌کاری و ریخته‌گری ساخته شده‌اند. همچنین آرایه‌های تزیینی نیز به شیوه قلم‌زنی و کنده‌کاری اجرا شده است.

۳. آرایه‌های تزیینی

آرایه‌های تزیینی منقوش بر کاسه‌های سیمین و زرین هخامنشی متفاوت است؛ با این حال قبه‌های مرکزی، شیارهای افقی و عمودی، آرایه‌های بادامی شکل (اشکی) و گلبرگ‌های دراز کشیده (نمایانگر نقوش گل از جمله روزت، نیلوفر و...) عمده‌ترین نقش‌مایه‌های تزیینی این ظروف به شمار می‌آیند. چنین به نظر می‌رسد که قبه مرکزی کاسه‌ها (به‌ویژه نمونه‌های کم‌عمق) علاوه بر نقش تزیینی، نگه‌داشتن ظرف را در دست نیز آسان می‌کرد؛ به‌طوری که می‌توان انگشت را در این برآمدگی مرکزی جای داد تا استقرار ظرف در دست

مطمئن‌تر شود (سلحشور، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴). برآمدگی‌های بادامی (اشکی) شکل پیرامونی در کاسه‌ها نه تنها به‌عنوان آرایه تزیینی بلکه احتمالاً به‌عنوان پایه نیز کاربرد داشته است؛ از طرفی چنین تزییناتی افزون بر ایجاد موج در نوشیدنی بر رنگ آن نیز تأثیرگذار بوده است (احسانی، ۱۳۸۲، ص ۸۰؛ توحیدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳). همچنین تناوب و توالی به کار رفته در نقش‌مایه گلبرگ‌های دراز کشیده احتمالاً تصویرگری ساده، ماهرانه و هنرمندانه‌ای از نقوش گل نظیر روزت، نیلوفر و... است. یافته‌های باستان‌شناسی حاکی از آن است که ظروف با طرح قبه مرکزی، تزیینات بادامی (اشکی) شکل پیرامونی و آرایه‌های گلبرگی به صورت انتهای تیز و نوک‌دار در طول هزاره اول ق.م در غرب آسیا و مدیترانه شرقی رایج بوده است (تصویر ۳۸) (گانتر و جت، ۱۳۸۳، ص ۸۷). افزون بر این تزیینات بادامی (اشکی) شکل در مهر استوانه‌ای (تصویر ۳۲، الف) دوره جمدت نصر (مورتگات، ۱۳۹۲، ص ۵۳)، در میان ظروف گنجینه کلماکره لرستان (تصویر ۳۲، ب) (منسوب به اواخر قرن هفتم و اوایل قرن ششم ق.م) و همچنین در جام مکشوفه از همدان (منتسب به مادها، قرون ۷-۶ ق.م) به خوبی قابل مشاهده است (گیریشمن، ۱۳۷۱، ص ۹۶؛ Treistar, 2010: 136). پیاله‌ها و کاسه‌های آشوری نیز با آرایه‌های بادامی (اشکی) شکل تزیین شده‌اند. در این خصوص می‌توان نتیجه گرفت که منشا اقتباس

تاریخ گذاری نسبی و بر اساس مطالعات تطبیقی (مقایسه و مطالعه آثار بدون تاریخ مطلق با نمونه های مشابه به دست آمده از بررسی و کاوش های علمی) راهکاری مناسب به منظور تعیین قدمت آثار کشف شده به صورت اتفاقی است (ماسکارلا، ۱۳۸۷، ص ۹۷). در این راستا جهت انجام هرگونه مطالعه و بررسی، توصیف دقیق اثر، مقایسه اثر هنری مشکوک به جعل با آثار اصیل (نمونه های تأیید اصالت شده یا نمونه های حاصل از کاوش های علمی باستان شناسی) به منظور کشف و شناسایی وجوه اشتراک و تمایز موجود میان آن ها و همچنین تجزیه و تحلیل آن به لحاظ گونه شناسی، ریخت شناسی، فنی و شیوه های ساخت (شیوه های شکل دهی، تزیین و اتصال) امری ضروری است. بر اساس کاوش های علمی گنجینه های مختلفی از مناطق مرکزی و ساتراپی های هخامنشی نظیر ایران، مناطق مختلف حوزه فرهنگی دریای سیاه (آذربایجان، گرجستان، بلغارستان، روسیه و ارمنستان) و مصر به دست آمده اند. به طور کلی ارتباطات زیادی به لحاظ گونه شناسی، فنون ساخت و آرایه های تزیینی میان اشیای این گنجینه ها با هنر هخامنشی وجود داشته است (بیگزاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰). از طرفی با استناد به یافته های باستان شناسی (اشیاء همراه این گنجینه ها نظیر سکه، سفال و ...) این ظروف متعلق به اواخر قرن ششم تا اواسط قرن چهارم ق.م است. چنین به نظر می رسد فنون

این تزیینات از فرهنگ های اقوام پیشین فلات ایران و سرزمین های همجوار به ویژه ماد، لرستان (ایلام نو) و آشور بوده است (کخ، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳). با این حال، شواهد حاکی از آن است که تزیینات بادامی شکل به صورت قبه ای و برجسته سبک خاص هنری هخامنشی است. بررسی ها نشان می دهد بسیاری از کاسه های هخامنشی به دست آمده از مناطق مختلف آسیای صغیر، ایران و شبه جزیره بالکان با آرایه های بادامی (اشکی) شکل مزین شده اند. این نوع تزیینات (بادامی شکل) طی قرون ششم و پنجم ق.م در لیدی (یکی از ساتراپ های هخامنشی) نیز بسیار رایج بوده، هم چنان که در قرون پنجم و چهارم ق.م بر روی ظروف به دست آمده از تراکیه و مصر (از جمله ساتراپ های هخامنشی) وجود داشته است (سلحشور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴-۱۱۵).

آنچه از بررسی و مطالعه سه کاسه سیمین موجود در موزه هگمتانه به روشنی قابل مشاهده است، این که آرایه داخلی کاسه کم عمق مورد مطالعه قبه مرکزی همراه با گلبرگ های دراز کشیده نوک تیز شعاعی (یادآور گل روزت و پرتوهای آفتاب) است. کاسه های عمیق نیز افزون بر قبه مرکزی با آرایه های گلبرگی پیرامونی (یادآور گل لوتوس) آراسته شده اند.

گاهنگاری

راستا، ظروف سیمین موزه هگمتانه با نمونه‌های مشابه به دست آمده از ایران، مناطق مختلف حوزه فرهنگی دریای سیاه (آذربایجان، گرجستان، بلغارستان، روسیه، آناتولی و ارمنستان) و مصر، مقایسه شدند. از نظر گونه‌شناسی آثار فلزی مطالعه شده در این پژوهش جزء ظروف کاربردی محسوب می‌شوند. تزیینات بادامی (اشکی) شکل و آرایه‌های گیاهی (هم‌چون گل نیلوفر و روزت) شناسایی شده بر ظروف مورد مطالعه که در سایر هنرهای هخامنشی نیز مشاهده می‌شود، نشانگر توجه خاص هخامنشیان به یکدستی و وحدت نقوش است. از دیگر سو شکل و تزیینات این اشیاء تأثیر فرهنگ‌های اقوام پیشین فلات ایران و سرزمین‌های همجوار به ویژه ماد، لرستان (ایلام نو) و آشور را نشان می‌دهد؛ با این حال، شواهد حاکی از آن است که تزیینات بادامی شکل مختص صنعتگران هخامنشی بود که به منظور ایجاد نوعی استانداردسازی و یکسان‌سازی هنری به کار گرفته شد. اما آنچه را که باید متذکر شد این است که متأسفانه مجموعه ظروف سیمین منسوب به دوره هخامنشی موجود در موزه هگمتانه از طریق کاوش باستان‌شناسی به دست نیامده و محل کشف دقیق آن‌ها نامشخص و فاقد هر گونه مدارک تاریخی است؛ از این رو گاهنگاری دقیق و تعیین اصالت آن‌ها مشکل خواهد بود. با این حال تاریخ‌گذاری نسبی و بر اساس مطالعات تطبیقی (مقایسه و مطالعه آثار بدون تاریخ مطلق با نمونه‌های مشابه

ساخت، شکل و تزیینات ظروف به دست آمده از این گنجینه‌ها به ویژه کاسه‌ها (کم عمق و عمیق) بیانگر نوعی وحدت و یکسان‌سازی هنری و بعضاً برابری این ظروف (به صورت تکی یا مجموع) با واحدهای پولی دریک و شکل هخامنشی و گواه تأثیر انکارناپذیر هخامنشیان بر مناطق تحت حاکمیت است (سلحشور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۱۵). نظر به آنچه بیان شد و بر اساس مطالعات تطبیقی کاسه‌های مورد بحث با نمونه‌های مشابه، آثار مورد نظر احتمالاً متعلق به دوره هخامنشی هستند. از طرفی کاسه کم‌عمق نگهداری شده در موزه هگمتانه با توجه به جنس، شکل، فن ساخت و نوع نقش‌مایه منسوب به عصر هخامنشی و احتمالاً متعلق به اواخر قرن پنجم تا اوایل قرن چهارم ق.م است. همچنین تاریخی در حدود قرن پنجم ق.م را می‌توان برای کاسه‌های عمیق منسوب به عصر هخامنشی در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

هنر هخامنشی، هنری ترکیبی است که در نهایت ظرافت و زیبایی جلوه‌گری می‌کند. یکی از ظریف‌ترین مصنوعات هنرمندان قلمرو هخامنشی، ظروف فلزی است. این ظروف با اشکال مختلف یکی از داده‌های مهم باستان‌شناسی است که اطلاعات ارزشمندی در زمینه فلزکاری، شیوه تزیینات، فن ساخت، ارتباطات تجاری، اجتماعی، اقتصادی و هنری آن دوره ارائه می‌کند. در این

به دست آمده از بررسی و کاوش‌های علمی) راهکاری مناسب به منظور تعیین قدمت این گونه آثار (کشف شده به صورت اتفاقی) است. لذا با توجه به بررسی ظروف موجود در موزه هگمتانه و مقایسه آن با ظروف و اشیاء مشابه از مناطق مختلف حوزه فرهنگی دریای سیاه (آذربایجان، گرجستان، بلغارستان، روسیه و ارمنستان) و مصر می‌توان نتیجه گرفت که این اشیاء در یک برهه‌ی زمانی نزدیک به هم ساخته شده و احتمالاً متعلق به دوره هخامنشی هستند. از طرفی بر اساس مطالعه تطبیقی (فن ساخت، آرایه تزئینی و شکل ظروف)، گاهنگاری ظروف نگهداری شده در موزه هگمتانه به قرن چهارم (کاسه کم عمق) و پنجم ق.م (کاسه‌های عمیق) منسوب شد.

منابع

- ابن عباسی، ادریس و مقتدائی، علی اصغر، (۱۳۹۲)، هنرهای دستی و سیر تحول آن در ایران، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشاراتی جمال هنر.

- احسانی، محمدتقی، (۱۳۸۲)، هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- احمدوند، شجاع و بردبار، احمد رضا، «مبانی دینی دولت در ایران باستان از دوره اساطیری تا دولت هخامنشی»، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۸، صص: ۸۱-۱۰۱.

- اسدی، آرزو و فرنگیس درویشی، بازتاب مفاهیم اساطیری در هنر جواهر سازی دوره هخامنشیان، مجله مطالعات ایرانی. پیاپی ۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص: ۲۱-۴۸.

- الیاده، میرچا، (۱۳۷۲)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش.

- امیری، مرتضی، و تندی، احمد، (۱۳۹۶)، بررسی نقش و تصویر آثار فلزی دوره هخامنشی در موزه‌های ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران، پردیس بین‌المللی فارابی.

- امیری، مصیب، مهر دو رویه تخت جمشید هخامنشی، مطالعات باستان شناسی پارسه، شماره ۸، سال سوم، تابستان ۱۳۹۸، صص: ۵۷-۷۲.

- بادامی، دلارام. پنجه‌باشی، الهه و صالحی‌پور، شهرزاد، (۱۳۹۸)، مطالعه‌ای بر نقشینه‌های حیوانی در ایران باستان (از منظر اسطوره)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا (س).

- باقری حسن کیاده، معصومه. و رضائی، مسعود، جایگاه شکار در نزد هخامنشیان، مجله مطالعات ایرانی، پیاپی ۲۱، ۱۳۹۱، صص: ۴۷-۲۲.

- بریان، پی‌یر، (۱۳۸۱)، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، نشر فرزاد روز، چاپ دوم.

- بلخاری، حسن، تجلی لوتوس در آیین و هنر ایران و هند، مجله هنر کتاب ماه، تهران، شماره ۸۳ و ۸۴، ۱۳۸۴، صص: ۲۶-۳۴.

- جابز، گرترو، (۱۳۷۰)، سمبل‌ها، کتاب اول جانوران، ترجمه محمدرضا بقاپور، تهران، انتشارات جهان‌نما.
- جعفری، امین، و شیخی، علیرضا، (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی نقوش جانوران درنده در هنر فلزکاری عصر هخامنشی و ساسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی فردوس، دانشکده هنر.
- خسروی، الهه، بررسی نقوش و اشکال پرنده در هنر ایران باستان، دانشگاه هنر، دوره ۵، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۱، صص: ۶۹-۸۴.
- جعفری، زهره، آیت‌اللهی، حبیب‌الله، و حیدری، مرتضی، بررسی چگونگی شکل‌گیری نقش فرشتگان (انسان‌بال‌دار) در منابع تصویری قبل از اسلام، دو فصلنامه مدرس هنر، شماره ۲، دوره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص: ۲۴-۱۷.
- جلیلی‌نیا، فروغ، بررسی تطبیقی سمبل‌های هند و ایران در عهد باستان، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، شماره ۱، دوره ۴، ۱۳۹۷، صص: ۱۴-۲۶.
- خزائی، محمد، و صفدریان، شکیبا، سیر تحول آرایه‌های تزئینی هنر ایران در دوران باستان: از مادها تا آخر ساسانی (۶۵۲ - ۷۰۸ ق. م)، دو فصلنامه مدرس هنر، شماره ۱، دوره ۲، ۱۳۸۶، صص: ۴۹-۳۷.
- حضرتی یامچی، حسن، مذهب و سیاست مذهبی هخامنشیان، کیهان اندیشه، ۱۳۷۶، شماره ۷۴.
- دادور، ابوالقاسم، و منصور، الهام، (۱۳۸۵)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران، دانشگاه الزهراء، چاپ اول.
- دادور، ابولقاسم، و مصباح اردکانی، نصرت الملوک، بررسی شکل و فرم در ریتون‌های ایرانی (هزاره چهارم قبل از میلاد تا

- بهروزی، مهرناز، و عباس شیرازی، مهسا، بررسی مقایسه‌ای معماری دوره هخامنشی (۳۳۰-۵۵۹ ق.م) با معماری دوره ساسانی (۶۵۱-۲۲۴ م)، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال دوازدهم، شماره چهل ششم، ۱۳۹۶، صص: ۳۵-۱۰.
- بیانی، ملکزاده، (۱۳۶۳)، تاریخ مهر در ایران (از هزاره چهارم تا هزاره اول)، تهران، انتشارات یزدان.
- بیکرمن، هیننگ، و هانتر، ویلی، (۱۳۸۴)، علم در ایران و شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، نشر قطره، چاپ اول.
- بیگزاده، صبا، ایروانی قدیم، فرشید، و چایچی امیرخیز، احمد، (۱۳۹۴)، تعاملات فرهنگی حوزه دریای سیاه در عصر هخامنشی، نخستین کنفرانس بین‌المللی گردشگری، جغرافیا و باستان‌شناسی.
- بیگزاده، صبا، ایروانی قدیم، فرشید، و چایچی امیرخیز، احمد، (۱۳۹۳)، بررسی و معرفی آثار هخامنشی حوزه فرهنگی دریای سیاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شبستر، دانشکده هنر و معماری.
- تقوی، سید عبدالعباد، تسلیمی، نصرالله، و نجم‌الدین، فواد، (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی نقوش جانوران ترکیبی در ایران باستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و هنر یزد، دانشکده هنر و معماری.
- توحیدی، ناصر، (۱۳۶۲)، سیر تکامل تولید آهن و فولاد در ایران جهان، نشریه دانشکده فنی، دانشگاه تهران، ش ۴۵، صص: ۳۶-۲۵.
- توحیدی، فائق، (۱۳۹۴)، فن و هنر فلزکاری در ایران، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.

پایان دوره ساسانی)، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۱، ۱۳۸۹، صص: ۱۲-۵.

- دادور، ابوالقاسم، و روزبهانی، رویا، مطالعه تطبیقی جانوران ترکیبی در هنر هخامنشیان و آشوریان، فصلنامه نگره، پیاپی ۳۹، ۱۳۹۵، صص: ۱۶-۳۳.

- درویش منش، کژال، بررسی نقوش گیاهی مشترک در آثار منقوش حسنلو، زیویه، قالیچی، ربط ۲ و ارتباط آنها با هنر آشور، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۲، دوره ۲۱، تابستان ۱۳۹۵، صص: ۱۵-۲۶.

- راوندی، مرتضی، (۱۳۸۷)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد اول، تهران، نشر نگاه، چاپ ششم.

- رجبی، زینب، و افشاری، مرتضی، بررسی تأثیرات طراحی و نقوش هنر هخامنشی و ساسانی بر آثار استاد مجید مهرگان، فصلنامه علمی - پژوهشی نگره، شماره ۴۵، ۱۳۹۷، صص: ۵۱-۳۲.

- زارعی، معصومه، مهرآفرین، رضا، و اسدی، احمدعلی، (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل باستان شناسی حیوان و نقش آن در تمدن هخامنشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده هنر و معماری.

- سرفراز، علی اکبر، و فیروزمندی، بهمن، (۱۳۸۱)، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، تهران، عفاف، چاپ دوم.

- سرخوش کرتیس، وستا، (۱۳۷۳)، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.

- سلح شور، علی اصغر، نظری، سامر، و شعرباف، مر ضیه، بررسی کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی هخامنشی از نظر شکل، جایگاه، تزئینات و حوزه پراکنش، مجله مطالعات ایرانی، بهار ۱۳۹۱، صص: ۸۳-۹۳.

- عباس نژاد، رحمت، وطن دوست، رسول، و کابلی، میرعبادین، (۱۳۷۳)، جنبه‌هایی از هنر و صنعت فلزکاری از آغاز تا پایان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره سی و یکم، سال شانزدهم، ۱۳۹۶، صص: ۱۲۵-۱۰۱.

- سلح شور، علی اصغر، نظری، سامر، شعرباف، مر ضیه، و حسینی سربیشه، بهزاد، حضور هخامنشیان در تراکیه و بررسی تأثیرات هنر و معماری آنها با استناد به شواهد باستان‌شناختی، هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۱، دوره ۲۲، بهار ۱۳۹۶، صص: ۸۰-۶۹.

- شاطری، میترا، ساریخانی، مجید، و آزادی، وحید، (۱۳۹۴)، تحلیل و بررسی ظروف دوره هخامنشی با استناد به داده های موزه ایران باستان و موزه رضا عباسی، اولین کنفرانس بین المللی علوم انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و با تاکید بر پژوهش های نوین.

- شوالیه، ژان، (۱۳۷۶)، فرهنگ نمادها، ترجمه: سودابه فضایی، تهران، انتشارات جیحون.

- صراف، محمد رحیم، (۱۳۸۴)، مذهب قوم ایلام، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب اسلامی، چاپ اول.

- طاووسی، ماهیار، (۱۳۹۰)، «تحلیل چگونگی تأثیر هنر فلزکاری اقوام پیشین فلات ایران و سرزمین‌های همجوار و ملل تابعه هخامنشیان بر ظروف فلزی دوران هخامنشی (بر اساس آثار موجود در موزه‌های ملی ایران و رضا عباسی)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- طاهری، صدرالدین، کهن الگوی شیر در ایران، میانرودان و مصر باستان، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۹، بهار ۱۳۹۱، صص: ۸۳-۹۳.

- عباس نژاد، رحمت، وطن دوست، رسول، و کابلی، میرعبادین، (۱۳۷۳)، جنبه‌هایی از هنر و صنعت فلزکاری از آغاز تا پایان

پایان دوره ساسانی)، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۱، ۱۳۸۹، صص: ۱۲-۵.

- دادور، ابوالقاسم، و روزبهانی، رویا، مطالعه تطبیقی جانوران ترکیبی در هنر هخامنشیان و آشوریان، فصلنامه نگره، پیاپی ۳۹، ۱۳۹۵، صص: ۱۶-۳۳.

- درویش منش، کژال، بررسی نقوش گیاهی مشترک در آثار منقوش حسنلو، زیویه، قالیچی، ربط ۲ و ارتباط آنها با هنر آشور، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۲، دوره ۲۱، تابستان ۱۳۹۵، صص: ۱۵-۲۶.

- راوندی، مرتضی، (۱۳۸۷)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد اول، تهران، نشر نگاه، چاپ ششم.

- رجبی، زینب، و افشاری، مرتضی، بررسی تأثیرات طراحی و نقوش هنر هخامنشی و ساسانی بر آثار استاد مجید مهرگان، فصلنامه علمی - پژوهشی نگره، شماره ۴۵، ۱۳۹۷، صص: ۵۱-۳۲.

- زارعی، معصومه، مهرآفرین، رضا، و اسدی، احمدعلی، (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل باستان شناسی حیوان و نقش آن در تمدن هخامنشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده هنر و معماری.

- سرفراز، علی اکبر، و فیروزمندی، بهمن، (۱۳۸۱)، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، تهران، عفاف، چاپ دوم.

- سرخوش کرتیس، وستا، (۱۳۷۳)، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.

- سلح شور، علی اصغر، نظری، سامر، و شعرباف، مر ضیه، بررسی کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی هخامنشی از نظر شکل، جایگاه، تزئینات و حوزه پراکنش، مجله مطالعات ایرانی،

- فیروزمندی، بهمن، و رضائی، ایرج، در جستجوی ردپای زنان مادی در منابع تاریخی و بقایای باستانشناسی، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۶، شماره ۴، ۱۳۹۳، صص: ۴۸۹-۵۰۳.

- قربانی قهفرخی، عاطفه، یزدانی راد، علی، و براتی ارداجی، طاهره، بررسی اسطوره و نماد قوچ در فرهنگ ایران باستان با محوریت قوچ‌های سنگی چهارمحال و بختیاری، سال سوم، شماره دو، پیاپی ده، تیر ۱۳۹۷، جلد یک.

- کخ، هاید ماری، (۱۳۸۷)، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، چاپ سیزدهم، تهران، کارنگ.

- کریمی، شکیلا، نمادشناسی نقش مرغابی سانان در آثار هنری ایران، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال هفتم، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۹۸، صص: ۲۱-۳۰.

- کوپر، جی. سی، (۱۳۸۰)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه: ملیحه کرباسیان، تهران، نشر فرشاد.

- گانتز، سی و پل جت، (۱۳۸۳)، فلزکاری ایران در دوران هخامنشی، اشکانی، ساسانی، ترجمه: شهرام حیدرآبادیان، تهران، انتشارات گنجینه هنر، چاپ اول.

- گیریشمن، رومن، (۱۳۷۱)، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، علمی فرهنگی.

- مبینی، مهتاب، بررسی تطبیقی نقش شیر در اساطیر و هنر ایران و هند، دو فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مایه، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص: ۴۳-۴۸.

- مختاریان، بهار، و شکری، سجاد، نقش قوچ در آیین‌های وابسته به ایزد بانوی بزرگ در لرستان، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۹۳۱، صص: ۱۱۱-۱۹۱.

هزاره سوم ق.م در محوطه‌های باستانی جنوب شرق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

- غلامپور درزی، فاطمه، و علی اسماعیلی، عبدالله، نمادینگی نیلوفر آبی، مضمون مشترک در پهنه جغرافیای فرهنگی عصر هخامنشی و ساسانی، دوفصلنامه علمی - تخصصی زبان و ادبیات فارسی شفای دل، شماره پنجم، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص: ۱۶۹-۱۸۷.

- فاضلی، محمد تقی، و موحد، عبدالعزیز، بازتاب نمادهای اساطیری در هنر هخامنشی، دو فصلنامه تخصصی تاریخ ایران اسلامی، سال سوم، شماره اول، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص: ۲۱-۴۸.

- فراست، مریم، بخشنده‌فرد، حمیدرضا، ایروانی‌قدیم، فرشید، و حصار، مرتضی، (۱۳۹۴)، معرفی و گونه‌شناسی تعدادی از اشیا فلزی دوره هخامنشی موجود در خزانه تخت جمشید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده هنر و معماری.

- فرقدان، عاطفه، و هوشیار، مهران، بررسی تطبیقی مفاهیم گل نیلوفر آبی در ایران، هند و مصر، دو فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مایه، سال ۳، شماره ۶، ۱۳۸۹، صص: ۴۹-۵۸.

- فلکی، معین، و مهرآفرین، رضا، مقاله مطالعه و شناخت نقوش حیوانی مهرهای مشبک جنوب شرق ایران، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۸، صص: ۳۹-۵۰.

علمی- پژوهشی انجمن علمی فرش ایران، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۹، صص: ۱۱۱-۱۳۲.

- موسوی، بی بی زهرا، و آیت الهی، حبیب الله، بررسی نقوش منسوجات در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی، فصلنامه علمی- پژوهشی نگره، سال ششم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۰، صص: ۴۷-۵۷.

- منتظری، سید سعید رضا، روابط خارجی شاهان هخامنشی، مجله مطالعات ایرانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال یازدهم، شماره بیست و یکم، ۱۳۹۱، صص: ۲۴۷-۲۶۹.

- نائیان، جلیل، و مهدی زاده، بهزاد، آثار فرهنگی هخامنشیان در قفقاز جنوبی با استناد به متون نوشتاری، پژوهش در تاریخ، دوره ۴، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۲، پاییز ۱۳۹۲، صص: ۱۲۵-۱۴۷.

- نامجویان، فلورانس، و غفاریان، زهرا، کنکاشی بر فراسوی هنر همیشه جاوید هخامنشیان، چیستا، شماره ۲۲۴ و ۲۲۵، ۱۳۸۴، صص: ۲۹۹-۳۰۸.

- نظری زاده، فریده، و مشهدی حاجی علی، فاطمه، نماد خورشید در هنر ایران، دومین همایش ملی باستان شناسی ایران، آبان ماه ۱۳۹۴.

- وامقی، ایرج، (۱۳۷۹)، زمینه اقتصاد اجتماعی در دوره هخامنشی، تامین اجتماعی، شماره ۴.

- ولایتی، رحیم، تأثیر هنر ملل تابعه امپراتوری هخامنشیان بر هنر و معماری آنها، مجله باغ نظر، شماره چهارده، سال هفتم، تابستان ۱۳۸۹، صص: ۸۷-۹۴.

- ویسی، مهسا، نقدی بر کتاب بین النهرین و ایران در دوران هخامنشی، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی،

- مختاریان، بهار، اهمیت آیکونوگرافی در دین پژوهی، آیکونولوژی یونس و ماهی، نقدنامه هنر، شماره ۱، ۱۳۹۰، صص: ۱۰۹-۱۲۳.

- مختاریان، بهار، و صرامی، عارفه، تحلیل ساختاری دوگانگی نماد دو ماهی، پژوهش های انسان شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص: ۸۸-۶۹.

- مصباح، بیتا، و دادور، ابوالقاسم، تحلیل اسطوره شناختی مفاهیم مؤثر بر شکل و فرم ریتون های هخامنشی، نشریه باغ نظر. پیاپی ۷۲، ۱۳۹۸، صص: ۲۱-۳۲.

- مظاهری، خداکرم، ظهور آهن، پیام باستان شناس، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۸۵، صص: ۳۱-۵۸.

- معتمدفر، حمیده السادات، علی محمدی، جواد، و گلدوزیان، علیرضا، (۱۳۹۱)، باز نمود نقش انسان، حیوان در هنر ایران باستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.

- معنوی راد، میترا، و رزقی راد، مریم، تشریح ویژگی های بصری و کیفیات زیبایی شناختی انسان کنشگر بر ظروف کلریت جیرفت، فصلنامه علمی- پژوهشی نگره، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۷، صص: ۴۳-۶۰.

- مقدم، محمد، (۱۳۸۸)، جستار درباره مهر و ناهید، تهران، هیرمند.

- ملازاده، کاظم، تاریخچه پیدایش فن تولید آهن و کاربرد آن در ایران، مجله پژوهش های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۳، ۱۳۸۷، صص: ۱۷۷-۱۹۹.

- موسوی لر، اشرف السادات، و رسولی، اعظم، بررسی نمودهای اساطیری خورشید و مهر در فرش دستباف ایران، فصلنامه

- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، معاصر.

- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، نشر فرهنگ معاصر.

- یاور، حسین، (۱۳۸۰)، فلزکاری، تهران، انتشارات سوره مهر.

- یوسف جمالی، محمد کریم، جدیدی، ناصر، و شهابادی، علی اکبر، نقش و جایگاه اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی ایران در شاهنشاهی هخامنشی (از ۵۵۰ تا ۳۳۰ پ. م)، پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، شماره دوم (پیاپی ۱۸)، تابستان ۱۳۹۲، صص: ۵۲-۳۷.

پژوه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ماهنامه علمی- پژوهشی، سال نوزدهم، شماره چهارم، تیر ۱۳۹۸، صص: ۱۶۷-۱۵۵.

- هال، جیمز، (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- هژبری نوبری، علیرضا، طاووسی، ماهیار، طاووسی محمود، و خادمی‌ندوشن، فرهنگ، مدیریت تولید هنر در دوره هخامنشی (بررسی موردی: بهره‌برداری از نقشمایه‌های مشابه در هنرهای گوناگون)، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۴، ۱۳۸۹، صص: ۴۰-۳۳.

- هیلنز. جان، (۱۳۶۸)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه: ژاله آموزگار- احمد تفضلی، تهران، بینا.

- Curtis, J. (2005). The Archaeology of the Achaemenid Period. In *Forgotten Empire. World of Ancient Persia*, ed. Curtis & Tallis. London: British Museum.
- Dunnigan, Ann (1987). "fish", In *Encyclopedia of Religion* (vol. 5). (ed Jones Lindsay). MacMillan Reference Library.
- Dusinger, E. R. M. (1999). «Satrapal Sardis: Achaemenid Bowls in an Achaemenid Capital». *American Journal of Archaeology* 103 (1). 73-102 .
- Geldner, K.F. 1896- *Avesta the Sacred Book of the Parsis*. Published under the Secretary of the State for India. Stuttgart.
- Gunter, A., Root, M. (1998). «Replacing, Inscribing, Giving: Ernst Herzfeld and Artaxerxes' Silver Phiale in the Freer Gallery of Art». *Ars Orientalis* 27. 3-30.
- Hamilton, W. (1966). «A Silver Bowl in the Ashmolean Museum». *Iraq* 28 (1), 1-17.
- Knauss, F. (2006). «Ancient Persia & the Caucasus». *Iranica Antiqua* 41. 79-118.
- Simpson, St, J., Cowell, M. R. & S. La Niece. (2010). *Achaemenid Silver T. L. Jaks and the Mazanderan Connection*. In

- Norouzi, Sajedeh (2017). *Iranian Enamels (Minakary) History- Arts Social Sci J*.
- Mahmodi Alami, Ali. Yousef Jamali, Moahammad karim. Jadidi, Naser. (2018). *Study of Sacred Animals' Bas-relief in Sassanid Metal Works Art in Mazandaran*.
- Gimbutas, M (1989). *The language of the Goddess*. New York. Harper Collins.
- Mallory, J.P, Adams, D.Q (ed.) (1997), *Encyclopedia of Indo-European Culture*, London and Chicago: Routledge.
- Brunner, Christopher. (1987). *Sasanian stamp seal in Metropolitan museum*. NEWYORK.
- Busenbark, Ernest (1997), *Symbols, Sex, and the Stars*, California. Book Tree.
- Boardman, J (2000), *Persia and the West: An Archaeological Investigation of the Genesis of Achaemenid Art*, Thames and Hudson Ltd, London.
- Curtis, J., Cowell, M. & Walker, C. (1995). «A Silver Bowl of Artaxerxes I ». *Iran* 33, 149-153.

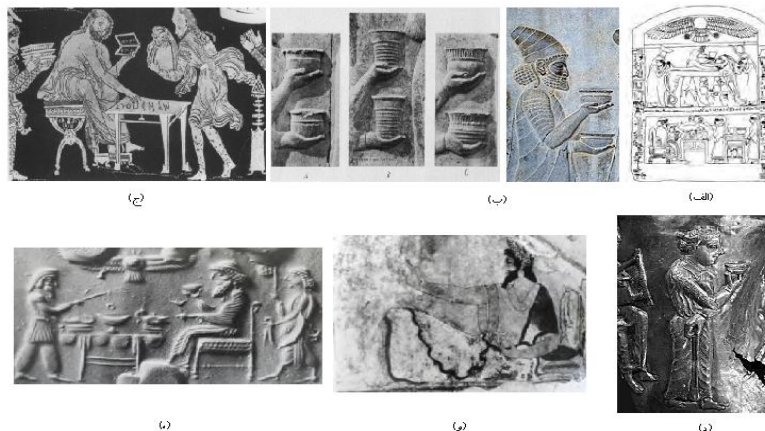
- Treister, M. (2009). «Silver Phialai from the Prokhorovka Burialmound No. 1». *Ancient Civilizations from Scythia to Siberia* 15 (1).
- Treister, M. (2007). The Toreutics of Colchis in the 5th-4th Centuries BC. In *Achaemenid Culture and Local Traditions in Anatolia, southern Caucasus and Iran*. eds. A. Ivantchik & V. Licheli, ACSS 13 (1-2): 67-107. Leiden, Brill.
- Zournatzi, A. (2000). «Inscribed Silver Vessels of Odrysian Kings». *American Journal of Archaeology* 104 (4), 683-706.
- The World of Achaemenid Persia, eds. J. Curtis & St J. Simpson, 429-442. London: I. B. Tauris & Co Ltd.
- Simpson, St, J. (2005). The Royal Table. In *Forgotten Empire: The World of Achaemenid Persia*, eds. J.Curtis & N.Tallis, 104-111. London: British Museum.
- Treister, M. (2010). Achaemenid & Achaemenid Inspired Goldware & Silverware Jewellery & Arms & their Imitation to the North of Achaemenid Empire. In *Achaemenid Impacts in the Black Sea*, eds. Nieling & Rehm, 223-279. Denmark.



تصویر (۱): نمونه کاسه‌های موجود در ادوار گذشته ؛ (الف): بزم سلطنتی آشور بانیپال به همراه ملکه از کاخ نینوا (Mon- 2009 : 166)؛ (ب): نقش برجسته دیواری کاخ شمال غربی آشور نصیرپال از مرمر سفید در نیمرود (موزه بریتانیا) (مورنگات، ۱۳۹۲، ص ۲۵۵)، (ج): ظروف سفالین ساده و منقوش از طبقه هفت حاجیلار دوره نوسنگی جدید (فیروزمندی شیره‌جینی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹)










تصویر ۱۹: نقوش برجسته تخت جمشید (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹)




تصویر (۳۱): تصویر کاسه‌های هخامنشی؛ (الف): استل سقاره با نقش نجیب‌زاده هخامنشی (Bettles & Mathieson, 1995: 27)، (ب): کاسه‌ها در آپادانای تخت‌جمشید (A: ایونی‌ها، B و C: بلخی‌ها) (Schmidt, 1957: 70)، (ج): اشراف‌زاده پارسی، معبد المعالی در لیکیه (Boardman, 2000: 200)، (د): کاسه هخامنشی بر روی ریتون اربونی (Treister, 2012: 138)، (و): نقش کاسه بر گلدان (Gunter & Root, 1998: 10)، (ه): مهر هخامنشی (Boardman, 2000: 160)



تصویر (۳۲): (الف): مهر استوانه‌ای دوره جمدت نصر (مورنگات، ۱۳۹۲: ۵۳)، (ب): ظروف گنجینه کلمارکهر لریستان (Khosravi et al., 2010: 47)

	دستی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲	گنجینه آمودریا موزه بریتانیا	✓										✓			✓	✓		✓	✓		✓	✓	✓	۱۰
	Treister, 2007: 86	قبری در گورستان سارد	✓										✓				✓	✓		✓	✓	✓			۱۱
	Treister, 2007: 86	قبری در وانی											✓			✓	✓	✓		✓	✓				۱۲
	Knauss, 2006: 82	آخالگوری گرجستان											✓				✓			✓	✓	✓			۱۳
	سلحشور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹	کازبگی گرجستان	✓										✓				✓			✓	✓	✓			۱۴
	Simpson, 1998: 32	شناسایی شده در مازندران											✓				✓	✓	✓		✓	✓	✓		۱۵
	Treister, 2009b: 109	رودخانه کوبان در استانیستا مارینس کایا											✓			✓	✓			✓	✓	✓			۱۶

	Treister, 2009a: 187	کورگان B از پروخورووکا	✓																	✓	✓	✓	۲۶	
	Venedikov, 1977: 37	واریتسا	✓																	✓	✓	✓	✓	۲۷
	Simpson, 2005:117	نزدیکی ارزنجان	✓																	✓	✓	✓	۲۸	
	Gergova, 2010: 75	گنجینه جیحون	✓																	✓	✓	✓	✓	۲۹
	Razmjou, 2005: 180	مکشوفه از قره‌باغ	✓																	✓	✓	✓	۳۰	